



بهارن ماه ۱۳۹۲

واکاوی تاریخی پیدایش واژه اعجاز و معجزه در علوم قرآنی

نرجس توکلی محمدی^۱

محمود مکوند^۲

چکیده

عدم کاربرد واژگان «اعجاز» و «معجزه» در قرآن کریم از یک سو، و اهمیت بحث «اعجاز قرآن» به منزله یکی از مهمترین انواع علوم قرآنی از سوی دیگر، بحث و بررسی پیرامون این واژگان و تبیین زمان پیدایی آنها را ضرورت می‌بخشد. چه، بحث از اعجاز قرآن و اثبات معجزه بودن آن، یکی از مهمترین دغدغه‌های اندیشمندان و قرآن پژوهان است اما از دیگر سو، عنوان این دانش، برخلاف دیگر انواع مهم علوم قرآنی نظیر ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عام و خاص، ریشه‌ای منصوص در قرآن و حدیث ندارد. بر این اساس، در این پژوهش بر آنیم تا با بررسی تاریخی متون و منابع کهن، خاستگاه و زمان پیدایش این واژه و ورود آن به حوزه علوم قرآنی را تبیین کنیم. بر این اساس، با بررسی اهم منابع کهن لغوی، تفسیری، روایی و ترجمه‌های قرآنی، میتوان دریافت که این واژه، گرچه به اشکال مشابه در برخی روایات و منابع قرن دوم نیز به کار رفته است، اما به مثابه یک دانش‌واژه، واژه‌ای برساخته از سوی دانشمندان علوم قرآنی و متکلمان اسلامی است که در نخستین کاربردهای خود، از قرن سوم به مباحث علمی مسلمانان ورود یافته و پس از آن دامنه‌ی کاربرد آن در کتب علوم قرآنی و تفسیر نظیر احکام القرآن جصاص (م ۳۷۰ق)، اعراب القرآن نحاس (م ۳۳۷ق)، آثار شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، سید مرتضی (م ۴۳۶ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰)، طبرسی (م ۵۵۸ق) و دیگران، و بعضاً در متون کهن فارسی نظیر ترجمه تفسیر طبری در ترادف با واژگان قرآنی «آیه» و «بینه» گسترش یافته است.

کلیدواژه‌ها: بررسی تاریخی - اعجاز - معجزه - علوم قرآنی - تفسیر.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران tavakoli.nm@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، mahmoodmakvand@yahoo.com

بهن ماه ۱۳۹۲

مقدمه

«اعجاز» در لغت مصدر باب افعال از ریشه «عجز» به معنای ناتوان ساختن و از دست دادن است (نک خلیل، ج ۱، ص ۲۱۵ و ازهری، ج ۳، ص ۲۳۴). این واژه به سه معنای از دست رفتن چیزی، احساس ناتوانی، و ایجاد عجز در فرد به کار رفته است (خویی، ص ۳۵). این واژه در اصطلاح، بر قسمی از انواع علوم قرآنی اطلاق میشود که به بررسی و اثبات معجزه بودن قرآن به منزله دلیل حقانیت نبوت پیامبر (ص) می‌پردازد. آیه الله خوئی اعجاز قرآن را چنین تعریف کرده است: «و هو فی الاصطلاح أن یأتی المدعی لمنصب من المناصب الإلهیة بما یخرق نوامیس الطبیعة و یعجز عنه غیره شاهد علی صدق دعواه» (ص ۳۵). بر این اساس، اعجاز در اصطلاح علوم قرآنی به این معناست که مدعی منصبی الهی، برای اثبات حقانیت ادعای خود امری انجام دهد از قوانین طبیعی خارج باشد و دیگران قادر بر انجام آن نباشند.

بر این اساس، واژه «مُعْجَزه» و «مُعْجَز» به معنای آنچه‌ای است که بر صدق ادعای نبوت دلالت دارد و از دایره قدرت بشری خارج است. به عبارت دیگر، مراد از معجزه، امری است که تنها در تحت قدرت الهی صورت می‌گیرد و انجام آن برای بندگان محال است (نک باقلانی، ص ۱۸۱). عتر در علوم القرآن، معجزه را این گونه معرفی میکند: «أمر خارق للعاده مقرون بالتحدی مع عدم المعارضة» (عتر، ص ۱۹۱). این تعریف که عامترین تعریف معجزه است سه شرط خارق عادت بودن، ادعای تحدی و عدم هموردی را برای معجزه بودن هر امری لازم دانسته است.

بحث اعجاز، در عین حال که یکی از گسترده ترین مباحث علوم قرآنی است، اما به نظر میرسد ریشه ای منصوص در قرآن و روایات ندارد؛ چنانکه عتر در علوم القرآن پس از بیان معنای معجزه، میگوید: «و یطلق علی المعجزات دلائل النبوة و أعلام النبوة، و نحو ذلك، و هذه الألفاظ إذا سمیت بها آیات الأنبیاء کانت أدل علی المقصود من لفظ المعجزات، و لهذا لم یکن لفظ المعجزات موجودا فی الكتاب و لا فی السنّة، و إنما فی لفظ الآیة، و البینه، و البرهان» (ص ۱۹۱). بررسی اجمالی آیات و روایات نیز این مسئله را تا حدودی اثبات میکند، چه ما در قرآن و روایات می‌یابیم که سخن از محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مجمل و مبین و ... به میان آمده که از جمله مهمترین انواع علوم قرآنی هستند؛ اما از بحث اعجاز قرآن کریم، با همه پردامنگی آن سخن به میان نیامده است.

بهمن ماه ۱۳۹۲

از این رو در این مقاله در پی آنیم تا با بررسی کهن ترین منابع قرآنی و روایی، صحت و سقم این ادعا را بررسی کنیم و منشا پیدایش و ورود دانش واژگان «اعجاز» و «معجزه» به حوزه علوم قرآنی را دریابیم.

روش

این مقاله، به روش تاریخی-تحلیلی، به بررسی زمان پیدایش دانش واژگان اعجاز و معجزه در علوم قرآنی میپردازد. از آنجا که اقسام علوم اسلامی نظیر تفسیر، حدیث و علوم قرآنی رابطه ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند و از سوی دیگر تفسیر و حدیث اصلی ترین منابع سایر علوم اسلامی اند، در این بررسی ضروری است منابع مختلف این حوزه ها مورد مطالعه قرار گیرند. از این رو در این مقاله، جهت واکاوی تاریخی پیدایش دانش واژگان اعجاز و معجزه در علوم قرآنی، این واژگان را به مثابه کلیدواژه جستجو، در منابع لغوی، تفسیری، روایی و علوم قرآنی، در بازه زمانی قرن اول تا ششم بررسی کرده ایم. در این راستا، مبنا و معیار ما در انتخاب منابع، نرم افزارهای جامع التفاسیر، جامع الاحادیث و مشکات الانوار بوده اند. در مواردی نیز که منبعی در این کتب وجود نداشته است، از منابع مستقل کتابخانه ای استفاده شده است. گزارش بررسی های انجام شده در چهار حوزه منابع لغوی، تفسیری، روایی و علوم قرآنی به شرح زیر است:

بررسی تاریخی واژه «اعجاز» و «معجزه» در منابع لغوی

بررسی و مطالعه قاموس های عربی کهن حکایت از آن دارد که واژگان «اعجاز» و «معجزه» در آثار لغوی قرون دوم تا ششم بسیار اندک بکار رفته اند و در همان موارد اندک نیز هیچ ارتباطی با قرآن و وجه اعجاز آن وجود ندارد. العین، قدیم ترین قاموس عربی، ساخت ماضی باب «افعال» ریشه «عجز» را ذکر می کند: «أَعْجَزَنِي فَلَانَ إِذَا عَجَزْتَ عَنْ طَلْبِهِ وَ إِدْرَاكِهِ. وَ الْعَجْزُ نَقِيضُ الْحِزْمِ. وَ عَجَزَ يَعْجِزُ عَجْزًا فَهُوَ عَاجِزٌ ضَعِيفٌ» (خلیل ج ۱، ص ۲۱۵). اما این کتاب خالی از هرگونه اشاره به واژگان «اعجاز» و «معجزه» است. مراجعه به *جمهره اللغه* ابن درید، آغازین قاموس قرن سوم، نیز نشان می دهد که هیچ اثری از واژگان «اعجاز» و «معجزه» در این کتاب وجود ندارد. اما دیگر اثر سده سوم یعنی *تهذیب اللغه* ازهری که متاخرتر است توضیحاتی پیرامون واژه «اعجاز» ارائه می دهد گرچه این توضیحات با بحث اعجاز قرآن پیوند نمی خورد:

بمن ماه ۱۳۹۲

" ومعنى الإعجاز الفوت والسبق. يقال أعجزنى فلان، أى فاتنى... وأما الإعجاز فهو الفوت، ومنه قول الأعشى: فذاك ولم يُعجز من الموت ربّه ولكن أتاها الموت لا يتأبّق " (زهرى، ج ۳، ص ۲۳۴).

صاح جوهرى مهمترين قاموس قرن چهارم عينا مفاهيم قواميس پيشين را برای باب «افعال» «عجز» ذکر می کند اما نکته مهم اينست که جوهرى برای نخستين بار واژه «معجزه» را ذکر می کند، گرچه سخنى از قرآن بصورت خاص به میان نمی آید: " والمُعْجِزَةُ: واحدةٌ مُعْجِزَاتِ الْأَنْبِيَاءِ " (جوهرى، ج ۳، ۱۲۳). از قواميس قرن پنجم، بررسی المحکم و المحيط الاعظم ابن سیده حاکی از عدم اشاره این فرهنگ به واژگان مذکور است و قرن ششم نیز که لسان العرب ابن منظور جامع ترين و برجسته ترين قاموس آنست چیزی جز تکرار مطالب قاموس- های پيشين ندارد. چنانچه ذیل واژه «عجز» به بیان معنای لغوی آن پرداخته چنین آورده است: «العَجْزُ: نقيض الحزم، عَجَزَ عن الأمرِ يَعْجِزُ و عَجَزَ عَجْزاً فيهما؛ و رجل عَجِزٌ و عَجِزٌ: عاجِزٌ... و العَجْزُ: الضعف» (ابن منظور، ج ۵، ص ۳۶۹) و پس از بیان کاربردهای قرآنی این واژه پرداخته، معنای باب افعال این ریشه را نیز از نظر لغوی، با تکرار گفتار ازهرى بیان میکند: «و معنى الإعجاز الفوت و السبق، يقال: أُعْجِزَنِي فلان أى فاتنى» (همان، ص ۳۷۰) و در نهایت «معجزه» را با بیان جوهرى چنین توضیح میدهد: «... و المُعْجِزَةُ: واحدةٌ مُعْجِزَاتِ الْأَنْبِيَاءِ، عليهم السلام» (همانجا).

چنانکه مشاهده میشود این واژگان از اواخر قرن سوم در قواميس لغوی زبان عربی ورود یافته اند. با این حال، گرچه درباره واژه «معجزه» اندکی به اصطلاحی بودن آن اشاره شده است، اما دانش واژگی آنها مورد توجه واقع نشده است.

بررسی تاریخی واژه «اعجاز» و «معجزه» در منابع تفسیری عربی و فارسی

واژگان «اعجاز» و «معجزه» به صورتهای مختلف در تفاسیر کهن بکار رفته اند. آنچه در این مورد مهم می نماید، نخست، خاستگاه ظهور و بروز این واژگان است و سپس توجه به این نکته که واژه در چه مفاهیمی بکار رفته است. بررسی سیر پیدایی این واژگان نشان می دهد که «معجزه» با سیری صعودی در طی ۶ قرن نخست به کار رفته است. این واژه اول بار در تفاسیر قرن دوم کاربست می یابد گرچه در اینجا ارتباطی با قرآن وجود ندارد. فراء (ج ۱، ص ۴۸۱) ذیل آیه: «إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُّكُمْ» توبه ۳۵ گوید: " و فيه معجزه لرسول الله يوم حنين ". در تفاسیر این سده اثری از واژه «اعجاز» نیست.

بمن ماه ۱۳۹۲

در تفاسیر قرن سوم این واژه با بسامد بالاتر و بصورت متنوع تر استعمال می شود گرچه باز هم این استعمالات ارتباطی با قرآن ندارند. در این سده «آیه» حوزه معناسناختی واژه «معجزه» را تشکیل می دهد و در حالت‌های عطفی " آیه و معجزه " (تستری، ص ۳۷) " آیه له و دلالة و معجزه " ، " آیه بینة، و حجة معجزه " (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۳۷۳ و ۴۸۸) بکار می رود. در تفاسیر این قرن نیز از واژه «اعجاز» ذکری به میان نمی آورد.

کتاب تفسیری قرن چهارم سیر صعودی استعمال واژه را به صورت آشکارتر نمایان می سازند. در تفاسیر این قرن واژه «معجزه» بارها در پیوند با قرآن بکار می رود و علاوه بر مفهوم «آیه» یا «نشانه» مفهوم «برهان» نیز به دایره معنایی معجزه افزوده می گردد: " قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مَعْجِزَةٍ مِنْ رَبِّكَ " (طبری، جامع البیان، ج ۱۶، ص ۱۳۰)، " دانی نه فرستاد این آیتها و معجزه مگر خداوند آسمانها " ، " اندران نشانهاست و معجزه خداوندان خرد را " (ترجمه تفسیر طبری، ج ۴، ص ۹۹۰ و ۸۹۱) ، " و کردستیم ما شب را و روز را دو معجزه و برهان " (همانجا، ج ۴، ص ۸۹۱). واژه «اعجاز» در تفاسیر سده چهارم تنها مضاف به قرآن بکار رفته است (نک: شیخ مفید، ۵۳۹؛ جصاص، ج ۵، ص ۳۵).

این روند صعودی در تفاسیر قرن ۵ نیز ادامه می یابد و واژه «معجزه» در پیوند تنگاتنگ با قرآن و وجه اعجاز آن استعمال می شود. در آثار تفسیری سده پنجم «معجزه» باز هم مترادف «آیه» یا «نشانه» است: " وَ يَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ " و أشار الی ناقته التي جعلها الله معجزه " (طوسی، تبیان ج ۶، ص ۱۹) ، " حکى الله تعالى فى هذه الآية عن الكفار الذين وصفهم انهم يقولون «لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا آيَةً مِنْ رَبِّهِ» : و می گویند کافران چرا نه فرود آرند بر محمد نشانی از خدای او، یعنی معجزه چنان که ما می درخواهیم " (سورآبادی، ج ۲، ص ۱۰۰۷، ج ۲، ص ۱۸۶۸).

اما در آثار این قرن مفهوم «بینة» نیز به حوزه معنایی «معجزه» افزوده می شود:

" و قال لهم «قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ» یعنی أْتَتْكُمْ حِجَّةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَ مَعْجِزَةٌ دَالَةٌ عَلَى صِدْقِ قَوْلِي " (طوسی، تبیان ج ۲، ص ۴۶۱) ، " «قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ» : بدرستی که آمد به شما هویدای از خدای شما، گفته‌اند این بینة کتاب است و گفته‌اند معجزه است " (سورآبادی، ج ۲، ص ۷۷۱). شگفت آنکه تبیان ذیل آیه ۴۲ آل عمران گویا «معجزه» را با «کرامت» یکی می داند: " يجوز عندنا أن يكون ذلك معجزه لها و كرامة " (طوسی، ج ۲، ص ۴۵۶).

بهارن ماه ۱۳۹۲

ناگفته نماند که برخی آثار تفسیری سده پنجم هیچگاه از واژه «معجزه» ذکری به میان نمی آورند (برای نمونه: سید رضی، تلخیص البیان) و در مقابل برخی دیگر چون تاج التراجم، بویژه ذیل آیات مربوط به معجزات انبیاء، بسیار از «معجزه» یاد می کند (نک: اسفراینی، جم). صورت کاربرد واژه «اعجاز» در تفاسیر این قرن نسبت به سده پیش تغییری نشان نمیدهد (نک: طوسی، تبیان ج ۲، ص ۴۵۶؛ سورآبادی، ج ۲، ص ۶۳۸؛ ثعلبی، ج ۲، ص ۲۳۷).

سده ششم بی شک نقطه اوج روند صعودی استعمال واژه «معجزه» است و این واژه در معنای اصطلاحی خود و در توضیح وجه اعجاز قرآن، بویژه در تفاسیر کلامی، تثبیت می شود (برای نمونه نک: فخررازی، ج ۶، ص ۵۲۱، ج ۱۲، ص ۵۲۲، ج ۱۳، ص ۱۲۴). در این سده حوزه معنا شناختی «معجزه» تا حدودی مشابه سده قبل خود است. برابرنهاده های «معجزه» در تفاسیر قرن ششم عبارتند از: «آیه» (زمخشری، ج ۱، ص ۴۷۷؛ ابن عربی، ج ۳، ص ۱۰۸۹؛ طبرسی، ج ۴، ص ۴۴۴؛ جم). «بینه» (زمخشری، ج ۲، ص ۱۲۷؛ میبیدی، ج ۳، ص ۶۷۵؛ طبرسی، ج ۲، ص ۷۵۴؛ جم). «سلطان» که مفهوم جدید «معجزه» در سده ششم است (نسفی، ج ۱، ص ۴۸۴).

واژه «اعجاز» در سده ششم همچون «معجزه» بالاترین بسامد کاربرد را دارد و فارغ از استعمال مطلق آن، مضاف به قرآن یا مضاف به واژه نظم نیز بکار می رود که حاکی از نظم و بلاغت قرآن هستند:

«اعجاز القرآن» (طبرسی، ج ۵، ص ۲۲۱؛ ابن عربی، ج ۴، ص ۱۶۰۹؛ رازی، ج ۱۰، ص ۲۳۵).

«اعجاز نظمه» یا «اعجاز النظم و البلاغه» (طبرسی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ ابن جوزی، ج ۲، ص ۳۵۵؛ زمخشری، ج ۲، ص ۳۴۷).

بر این اساس، سیر پیدایش این واژگان در تفاسیر و متون کهن چنین است: آغاز ورود واژه معجزه به تفاسیر به قرن دوم و اثر تفسیری فراء باز میگردد، اما واژه اعجاز تا قرن چهارم در تفاسیر کاربردی ندارد. از قرن چهارم، استعمال واژه معجزه به صورت صعودی و با شتابی بیشتر آغاز میشود اما همچنان واژه اعجاز ورود پرننگی ندارد اما سده ششم، نقطه اوج روند صعودی کاربرد این واژگان به مثابه دانش واژگانی خاص در علوم قرآنی است که در آثار مختلفی چون تفسیر فخر رازی، کشف زمخشری، مجمع البیان طبرسی، تفسیر میبیدی و ... مشاهده میشود.

بهارن ماه ۱۳۹۲

بررسی تاریخی واژه «اعجاز» و «معجزه» در منابع روایی

واژگان اعجاز و معجزه در منابع روایی کاربردی محدود دارند. این واژگان در منابع قرن ۱-۶ به ندرت به کار رفته اند و دانش واژگی آنها محل ابهام است. در میان منابع مختلف روایی این بازه، واژه اعجاز هرگز به کار نرفته است. اما واژه «معجزه» و نیز «مُعْجِز» گاه در لسان ائمه (ع) به معنای دلیل و نشانه نبوت کاربست یافته است. چنانکه در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) که در میانه سده سوم هجری گردآمده، واژه «مُعْجِز» سه بار برای دلیل نبوت ذکر شده است (نک ص ۹۲، ۴۸۹ و ۵۰۶). در همین تفسیر، واژه «معجزه» در شش روایت منقول از امام (ع) به همین معنا به کار رفته است (نک ص ۳۱۹، ۳۷۴، ۴۹۰، ۴۹۹، ۵۰۵، ۵۶۰). این دو واژه در آثار مربوط به آغاز سده چهارم به کار نرفته اند، چنانکه در تفاسیر فرات کوفی و عیاشی که نخستین تفاسیر روایی شیعه اند، اثری از این واژگان در کلام منتخب معصومان دیده نمیشود. اما واژه معجزه در کتاب شریف الکافی، یک بار در کلام امام رضا (ع) و البته نه در کاربرد اصطلاحی وارد شده است (نک کلینی، ج ۱، ص ۲۹۷). همچنین واژه معجز نیز در روایتی منقول از امام هادی (ع) در تحف العقول به کار رفته که آن نیز معنای اصطلاحی علوم قرآنی ندارد (نک حرانی، ص ۴۸۹). با این همه، در برخی آثار این دوره واژه معجزه، به معنای دلیل و نشانه حقانیت پیامبر و معصوم در لسان ائمه یافت میشود، چنانکه در کتاب هدایة الکبری، این واژه به همین معنا در حدیثی از امام باقر (ع) و امام حسن عسگری (ع) به کار رفته است (نک خصیبی، ص ۷۰-۷۱ و ۳۷۴).

در میان کتب سده چهارم، بیشترین ورود واژه معجز و معجزه در آثار روایی شیخ صدوق دیده میشود. چنانکه واژه معجز در کتاب خصال، برای دلیل اثبات امامت در روایتی منقول از امام صادق (ع) نقل شده است (نک ج ۲، ص ۴۲۸). اما واژه معجزه با دایره کاربردی وسیعتر در آثار متعدد شیخ صدوق ورود دارد. برای نمونه این واژه یک بار در کتاب توحید در روایتی منقول از امام رضا (ع) نسبت به صفات خداوند (نک ص ۱۸۶)، یک بار در کتاب خصال و نیز علل الشرایع در رابطه با احیای اموات توسط حضرت ابراهیم (ع) (نک خصال، ج ۱، ص ۲۶۵؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۶) و در دو مورد در عیون اخبار الرضا (ع) (ج ۱، ص ۱۴۵ و ج ۲، ص ۱۷۱) نسبت به اعمال الهی وارد شده است. روشن است که در این کاربردها، واژه معجزه در معنایی نزدیک به معنای اصطلاحی به کار رفته است.

اما در آثار قرن پنجم هجری، تنها در دو اثر روایی دلایل الامامه طبری و امالی شیخ طوسی، واژه معجزه، آن هم در کاربست نزدیک به معنای دانشواژگی کاربرد یافته است. چنانکه در دلایل الامامه در ۵ روایت نسبت به

بهارن ماه ۱۳۹۲

معجزات ائمه(ع) (نک ص ۱۶۹، ۳۶۲، ۴۲۶) و حتی در مترادف با واژه «آیه» (نک ص ۳۸۰) یا اضافه به آن (نک ص ۳۸۱) به کار رفته است. در امالی شیخ طوسی نیز این واژه در روایتی منقول از امام صادق(ع) نسبت به آیات الهی به کار رفته است: «قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ثَلَاثَةٌ أَوْقَاتٍ لَا يُحْجَبُ فِيهَا الدُّعَاءُ عَنِ اللَّهِ (تَعَالَى): فِي أَثَرِ الْمَكْتُوبَةِ، وَ عِنْدَ نُزُولِ الْمَطَرِ، وَ ظُهُورِ آيَةٍ مُعْجَزَةٍ لِلَّهِ فِي أَرْضِهِ.» (طوسی، امالی، ص ۲۸۰).

گرچه واژگان معجز و معجزه در آثار روایی قرون ۱-۶ بررسی شده اند، اما از آنجا که زمان صدور روایات مربوط به سه قرن نخست هجری است، میتوان دریافت که این واژگان در معنای اصطلاحی یا نزدیک به آن، از قرن نخست در کلام معصومان(ع) وجود داشته است. در سیر تاریخی، هرچه به اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم نزدیکتر میشویم کاربرد این واژگان در کلام ائمه(ع) کاربرد بیشتری می یابند.

بررسی تاریخی واژه «اعجاز» و «معجزه» در منابع علوم قرآنی

بررسی واژگان اعجاز و معجزه در کتب علوم قرآنی قرون ۱-۶، زمان نخستین پیدایی این واژگان را در اواخر قرن چهارم نشان میدهد؛ چنانکه این دو واژه به مثابه دانش واژگانی مختص علم قرآنی در کتب مستقل و جانبی این حوزه وارد شده اند. نخستین کتاب مستقل در این زمینه، اعجاز القرآن ابوبکر باقلانی متوفای ۴۰۳ قمری است که درباره معجزه بودن قرآن، ادله آن، وجوه اعجاز قرآن و مباحث مرتبط به تفصیل سخن گفته است.

پس از وی این واژگان در دیگر کتب علوم قرآنی نیز به کار رفته اند، چنانکه عبدالجبار بن احمد همدانی متوفای ۴۱۵ قمری، در دو کتاب متشابه القرآن و تنزیه القرآن عن المطاعن، این واژگان را به مثابه دانش واژه آورده است. وی در یک مورد در کتاب متشابه القرآن، واژه معجزه را در مورد حضرت سلیمان به کار برده است (نک ص ۵۴۰) و در موردی دیگر از اعجاز قرآن به مثابه دانش واژه نام میبرد (نک ص ۳۷۶). همدانی در اثر دوم نیز چندین بار واژه معجزه را به منزله دلیل نبوت انبیای مختلف نظیر حضرت آدم(ص ۲۱)، پیامبر اسلام(ص ۲۲۵ و ۳۵۰) و حضرت عیسی(ص ۲۴۷) به کار برده است. همچنین واژه اعجاز در رابطه با قرآن و موضوع تحدی نیز در این اثر به کار رفته است (نک ص ۲۹۸).

اما بر اساس سیر تاریخی دومین اثر مستقل در این حوزه را می توان کتاب الموضح عن جهة اعجاز القرآن، اثر شریف مرتضی متوفای ۴۳۶ قمری دانست که به صورت مستقل در باب اعجاز قرآن و اثبات وجه آن به

بهارن ماه ۱۳۹۲

نگارش در آمده است. دیگر اثر مستقل در این حوزه کتاب دلائل الاعجاز فی علم المعانی است که از سوی عبدالقاهر جرجانی متوفای ۴۷۱ق در موضوع اعجاز بیانی نوشته شده است.

پس از این آثار، بحث از اعجاز قرآن کریم و معجزه بودن آن در دیگر آثار علوم قرآنی به صورت مستقل یا ضمنی ورود و گسترش یافته است. بر این اساس، میتوان زمان پیدایش این دانش واژگان در منابع علوم قرآنی را اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم دانست.

نتیجه گیری

واژگان «اعجاز» و «معجزه» گرچه به ظاهر و طبق ادعای برخی ریشه در قرآن و سنت ندارند، اما بررسی متون و منابع کهن تفسیری و روایی نشان میدهد که واژه «معجزه» در معنایی نزدیک به معنای اصطلاحی در کلام معصومان به کار رفته است؛ چنانکه در روایات صادقین(ع)، امام رضا(ع) و امام حسن عسکری(ع) آشکارا بر دلایل اثبات حقانیت خداوند، پیامبران و امامان اطلاق شده است. در منابع تفسیری نیز، تا قرن چهارم، اعجاز و معجزه در معنای اصطلاحی به کار نرفته اند، اما پس از آن به تدریج و با سیری صعودی به متون راه یافته اند تا جایگاه دانش واژه «معجزه» در ترادف با واژگان قرآنی «آیه»، «بینه»، «برهان» و «سلطان» از سوی مفسران استفاده شده است. اما در منابع علوم قرآنی، این بحث بسیار متاخرتر است، چنانکه نخستین آثار مستقل در این حوزه در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم و تحت تاثیر مباحث کلامی پدیدار گشته اند.

گرچه واژه «اعجاز» در منابع و متون قرن اول تا سوم مشاهده نمیشود، اما کاربست واژگان «معجزه» و «معجز» در معنای قریب به دانش واژه علوم قرآنی آن، تصور بیگانه بودن این واژگان با نصوص دینی را میزداید. بر این اساس، میتوان مبحث اعجاز قرآن را نیز همچون مباحث محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، عام و خاص و ... برخاسته از متن قرآن و سنت دانست و طبق بررسیهای صورت گرفته و با استناد به کاربردهای واژگان «معجزه» و «اعجاز» در روایات، پیدایش آن را در قرن دوم هجری تاریخگذاری کرد.

بهمین ماه ۱۳۹۲

نتایج

- ۱- واژگان «اعجاز» و «معجزه» در منابع لغوی قرن دوم و سوم به کار نرفته اند. نخستین بار جوهری در صحاح لفظ «معجزه» را بدون اشاره به معنای اصطلاحی آن ذکر میکند. منابع پسینی نیز تا قرن ششم، تنصیصی بر این واژگان به مثابه دانش‌واژه ندارند.
- ۲- در منابع تفسیری، واژه «اعجاز» تا قرن سوم هرگز به کار نرفته است اما پس از آن و از قرن چهارم به بعد، به صورت مضاف به قرآن و نیز نظم، در منابع مشاهده میشود. در بازه قرن چهارم تا ششم، سیر و شتاب کاربست این واژه تحت تاثیر گسترش مباحث کلامی است. اما واژه «معجزه» در معنای غیر اصطلاحی از قرن دوم در متون تفسیری وجود داشته است. پس از آن و در طی زمان، به تدریج معنای اصطلاحی آن پررنگ تر شده، به مثابه یک دانش‌واژه در ترادف با آیه، برهان، بینه و سلطان به کار رفته است به گونه‌ایی که در قرن ششم، به نقطه اوج کاربرد اصطلاحی خود رسیده است و در تفاسیری چون مجمع البیان طبرسی، کشف زمخشری، تفسیر کبیر فخر رازی، تفسیر میدی و ... به وفور به کار رفته است.
- ۳- واژه «اعجاز» در منابع روایی کاربردی نداشته است اما واژگان «معجزه» و «معجز» در معنایی قریب به معنای اصطلاحی، در روایات اهل بیت (ع) وارد شده اند؛ چنانکه در کلام صادقین (ع)، امام رضا (ع) و امام حسن عسکری (ع) این واژگان، گاه در کنار واژه «آیه»، به نشانه‌های حقانیت خداوند و صدق دعوی پیامبران و امامان اطلاق شده اند. در میان متون روایی، آثار شیخ صدوق بیش از سایر کتب، مشتمل بر روایاتی است که در آن این واژگان به کار رفته اند. بر این اساس، میتوان ریشه منصوص بحث اعجاز قرآن کریم و پیدایش آن را در روایات اهل بیت، در قرن دوم هجری دانست.
- ۴- بررسی منابع علوم قرآنی نشان میدهد که نخستین آثار و مباحث مستقل در باره اعجاز قرآن کریم، به اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم باز میگردد که تحت تاثیر مباحث کلامی میان مسلمانان است. نخستین اثر در این زمینه اعجاز القرآن باقلانی (م ۴۰۳ق) است. پس از آن الموضح سید مرتضی (م ۴۳۶ق) و دلائل الاعجاز جرجانی (م ۴۷۱) را میتوان نام برد. از قرن پنجم به بعد، دایره مباحث اعجاز گسترده تر شده و به صورت مستقل و ضمنی مورد اهتمام دانشمندان اسلامی قرار گرفته است.

بمهر ماه ۱۳۹۲

منابع و مراجع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، دار الکتب العربی - بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ابو بکر محمد بن الطیب الباقلانی، إعجاز القرآن (الباقلانی)، ۱ جلد، دارالکتب العلمیة - بیروت، چاپ: اول، ۲۰۰۱/۱۴۲۱.
- ۳- ابن درید، ابوبکر محمد بن حسن، جمهرة اللغة، به کوشش رمزی منیرعلبکی، لبنان، بیروت، دارالعلم- للملایین، اول، ۱۹۸۷ م.
- ۴- ابن فارس قزوینی، أبوالحسین أحمد، معجم مقاییس اللغة، به کوشش عبدالسلام محمدهارون، بی جا، مکتبة الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، سوم، ۱۴۱۴ ق
- ۶- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، به کوشش عبدالسلام محمدهارون و دیگران، مصر، دارالتولیة العربیة، ۱۳۸۴ ق.
- ۷- باقلانی، ابو بکر محمد بن الطیب، إعجاز القرآن، دارالکتب العلمیة، بیروت، اول، ۲۰۰۱ / ۱۴۲۱
- ۸- ثعالبی، ابو منصور عبد الملك بن محمد، الإقتباس من القرآن الکریم، عالم الکتب الحدیث / جدارا للکتب العالمی، إربد / عمان، اول، ۱۴۲۹ ق - ۲۰۰۸ م
- ۹- جرجانی، عبد القاهر بن عبد الرحمن، دلائل الإعجاز فی علم المعانی، دار الکتب العلمیة، بیروت، اول، ۲۰۰۱ / ۱۴۲۲
- ۱۰- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح اللغة، به کوشش أحمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۱- حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ۱ جلد، جامعه مدرسین - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
- ۱۲- حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ۱ جلد، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

بمهر ماه ۱۳۹۲

- ۱۳- خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، ۱ جلد، البلاغ - بیروت، ۱۴۱۹ ق.
- ۱۴- خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، به کوشش مهدی مخزومی و دیگران، مؤسسه دارالهجرة، دوم، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۵- خوئی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ۱ جلد، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی - قم، چاپ: بی نا، بی تا.
- ۱۶- شریف المرتضی، علی بن الحسین الموسوی الموضح عن جهة إعجاز القرآن، آستان قدس، مشهد، اول، ۱۳۸۲ / ۱۴۲۴
- ۱۷- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، التوحید (للسدوق)، ۱ جلد، جامعه مدرسین - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۹۸ ق.
- ۱۸- همو، الخصال، ۲ جلد، جامعه مدرسین - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۹- همو، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲ جلد، نشر جهان - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ ق.
- ۲۰- همو، علل الشرائع، ۲ جلد، کتاب فروشی داوری - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م.
- ۲۱- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة (ط - الحديثة)، ۱ جلد، بعثت - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
- ۲۲- طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، ۱ جلد، دار الثقافة - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- ۲۳- عتر، نور الدین، علوم القرآن الکریم، ۱ جلد، مطبعة الصباح - دمشق، چاپ: ششم، ۱۹۹۶/۱۴۱۶.
- ۲۴- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، المطبعة العلمية - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ق.
- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - دارالحديث)، ۱۵ جلد، دار الحديث - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۹ ق.
- ۲۶- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ۱ جلد، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی - تهران، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۷- همدانی، عبد الجبار بن احمد، تنزیه القرآن عن المطاعن، دارالنهضة الحديثة، بیروت، دوم، ۲۰۰۵ / ۱۴۲۶



دومین همایش ملی اعجاز قرآن



بهمن ماه ۱۳۹۲

۲۸- همدانی، عبد الجبار بن احمد، متشابه القرآن، مکتبه دارالتراث، القاهرة، بی تا.